

تحلیل مفهوم شناختی و وجودشناختی «نیت» بر اساس آموزه‌های دینی و مبانی حکمت متعالیه

محمدعلی میرزایی^۱

محمدعلی وطن دوست^۲

صفر رجب زاده^۳

چکیده

یکی از مسائلی که در آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته، مسأله نیت و جایگاه آن در سعادت و شقاوت انسان است. در برخی روایات، نیت فرد ملاک ارزش‌گذاری انسان، و برتر از عمل دانسته شده است. در جستار حاضر تلاش می‌شود با رویکرد فلسفی و به شیوه عقلی و نقلی، اصطلاح نیت در آموزه‌های دینی و حکمت متعالیه مورد بازخوانی و تحلیل قرار گیرد. در همین راستا ابتدا گزارشی اجمالی از چیستی نیت و جایگاه آن در آیات و روایات ارائه شده و سپس براساس مبانی حکمت متعالیه، چیستی نیت، مورد تحلیل فلسفی و وجودشناختی قرار گرفته است. دستاورد تحقیق این است که «نیت» برابر با تصورات ذهنی و باور صرف نیست، بلکه حالتی نفسانی است که پس از شکل‌گیری اعتقاد، تصمیم و عزم بر فعل، در نفس، حادث می‌گردد. به دیگر سخن، نیت برآیند مجموعه بینش‌ها و باورهای انسان است که پس از شکل‌گیری شاکله و شخصیت، و پیش از صدور افعال جوارحی، در نفس انسان پدید می‌آید.

واژه‌های کلیدی: نیت، شاکله، مفهوم‌شناسی، وجودشناسی، آموزه‌های دینی، حکمت متعالیه.

۱. طلبه سطح سه رشته تخصصی کلام اسلامی، مدرسه علمیه عالی نواب مشهد (نویسنده مسئول). رایانامه:

elia_a_2006@yahoo.com

۲. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد. رایانامه:

ma.vatandoost@um.ac.ir

۳. طلبه سطح چهار رشته کلام مقارن، مدرسه علمیه عالی نواب مشهد. رایانامه:

rajabzadeh1370@gmail.com

طرح مسأله

انسان‌های مومن به دنبال جلب رضایت خداوند متعال، همه تلاش خود را به کار می‌بندند تا براساس خواسته و اراده خدا عمل نمایند. در آموزه‌های دینی تأکید زیادی بر روی نیت صورت گرفته است، به گونه‌ای که عمل بدون نیت صحیح، از درجه اعتبار ساقط است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَىٰ فَلَا بُدَّ لِّلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النِّيَّةِ فِي كُلِّ حَزَكَةٍ وَ شَكُونٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۷: ۲۱۰)؛ اعمال به نیت‌ها وابسته‌اند و هر کس با نیت خود همراه است، بنده باید در هر حرکت و سکونی نیتی خالص داشته باشد. لذا هر عملی بدون نیت صحیح و خالص، باطل بوده و به پیکری بی روح و بی خاصیت بدل خواهد شد. در پژوهش‌هایی که تاکنون درباره نیت انجام شده است در بیشتر موارد، اصل نیت و چیستی آن پیش‌فرض قرار گرفته و چیستی آن از منظر فلسفی بحث نشده است. همین مسأله سبب شده است برخی جایگاه نیت را تنزل داده و آن را با تصور صرف برابر پندارند. این در حالی است که آنچه از آموزه‌های دینی استفاده می‌شود، از وجود اهمیت و جایگاهی والا برای نیت حکایت دارد. این اهمیت تا اندازه‌ای است که نیت مومن برتر از عمل او و میزانی برای سنجش ارزش و کیفیت عمل دانسته شده است. نوشته حاضر در پی بررسی و تحلیل ماهیت نیت از منظر فلسفی است، و تلاش دارد تا نشان دهد نیت در تصور و باور ذهنی محض خلاصه نمی‌شود. پرسش‌های اصلی پژوهش از این قرار است:

۱. ویژگی‌های نیت از منظر آموزه‌های دینی کدام است؟

۲. چگونه می‌توان براساس مبانی حکمت متعالیه از «نیت» تحلیل فلسفی و وجودشناختی ارائه داد؟

پیشینه تحقیق

اندیشمندان بسیاری در راستای تبیین جایگاه و اهمیت نیت قلم فرسایی کرده‌اند، ولی تاکنون پژوهشی مستقل و با الهام از آموزه‌های دینی به بررسی و تحلیل چیستی نیت از منظر حکمت متعالیه انجام نشده است. در ادامه مقالاتی که در برخی موارد، به صورت ضمنی به بررسی چیستی نیت پرداخته‌اند، ذکر می‌شود:

۱. مقاله «تبیین نقش نیت در ارزش اخلاقی از منظر ملاصدرا»، نویسنده: ساری عارفی، معصومه سادات؛ مسعودی، جهانگیر؛ مجله: پژوهش‌های فلسفی کلامی، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۷۸، صص ۹۲ - ۱۱۱.

نگارندگان در این مقاله کوشیده است با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد فلسفی به بررسی نقش نیت و ارزش آن در ارزش اخلاقی از منظر ملاصدرا بپردازند، و تأثیر گذاری متقابل و مستمر نیت، فعل و فاعل اخلاقی در ارزش‌دهی به یکدیگر در سطوح متفاوت را نتیجه گرفته‌اند.

۲. مقاله «نقش نیت در ارزش اخلاقی»، نویسنده: مصباح، مجتبی؛ مجله: اخلاق و حیانی، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲، صص ۲۴ - ۱۰۴.

در این مقاله نویسنده در صدد بررسی عرفی و عقلی تاثیر نیت بر ارزش‌های اخلاقی بوده و کوشیده است با روشی عقلی و با استفاده از مبانی الهیات اسلامی و علم النفس فلسفی، ضمن بیان تفاوت بین دیدگاه عرفی با دیدگاه عقلی، نیت را به منزله نوعی فعل درونی و اختیاری، که افعال بیرونی تجلی آن به شمار می‌آیند، به اثبات برساند.

۳. مقاله «بررسی جایگاه نیت در نظام اخلاقی علامه طباطبایی و مایکل اسلوت» نویسنده: خزاعی، زهرا؛ لاریجانی، مریم؛ نبوی میبیدی، مریم السادات؛ مجله: پژوهش‌های اخلاقی، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۳۲، صص ۷۹ - ۹۶.

نگارنده نیت را به عنوان فرایندی ذهنی در فلسفه اخلاق قلمداد کرده و با استفاده از نظرات دو فیلسوف برجسته اخلاق، علامه طباطبایی و مایکل اسلوت به تحلیل ماهیت نیت و بررسی نقش معناشناختی، ارزش شناختی و وجود شناختی آن پرداخته است و در نهایت پس از تطبیق نظرات این دو فیلسوف به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود از حیثیت‌های مذکور اشاره می‌کند.

۱. مفهوم شناسی نیت

۱-۱. نیت در لغت

در تبیین معنای لغوی نیت که از ماده «ن و ی» گرفته شده، میان واژه‌شناسان

اختلاف به چشم می‌خورد، و با تعبیری همچون: «انتقال از جایی به جای دیگر» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸: ۳۹۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵: ۳۴۷)، «دانه و مغز گیاه» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸: ۳۹۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۵: ۳۶۷) و «تصمیم قلبی، عزم و قصد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۳۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱۲: ۳۰۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸: ۳۹۴؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ۲۰: ۲۶۶) شناسانده‌اند. آنچه از جمع‌بندی و تحلیل دیدگاه واژه‌شناسان استفاده می‌شود این است که نیت به معنای آن بخش از عمل است که ظاهر نیست ولی مهم‌ترین بخش است، همچنان که مراد از گیاه، دانه و مغز آن است و اگر گیاهی دانه و مغز نداشته باشد رشد نمی‌کند و اثر اصلی خود را دست خواهد داد. به عبارت دیگر مانند روح در جسد عمل است و روح، بهتر از جسد است و در جسد بدون روح، خیری نیست (طریحی، ۱۳۷۵، ۱: ۴۰۴).

مطلب دیگری که از تحلیل لغوی این واژه به دست می‌آید این است که آن چیزی که در توجه و قصد قلبی فرد مورد توجه قرار می‌گیرد، رسیدن به مقصود است (طریحی، ۱۳۷۵، ۱: ۴۰۴)، و این رسیدن به مقصود لوازمی دارد و قاصد، زمانی می‌تواند چنین قصدی را محقق سازد که به آن اعتقاد داشته باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵: ۳۴۷)، و اعتقاد، به صرف تصور تأمین نمی‌شود.

۱-۲. نیت در اصطلاح آموزه‌های دینی

۱-۱-۲. نیت در اصطلاح روایات

اصطلاح نیت در روایات زیادی به چشم می‌خورد. دسته‌ای از روایات اشاره به وابستگی عمل به نیت دارند و دسته‌ای دیگر نیت را عین عمل و بهتر از عمل می‌دانند. از جمله روایات دسته اول می‌توان به روایتی از جمله «أَتَمَّ الْأَعْمَالِ بِالنِّيَّاتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۷: ۲۱۱)، «النِّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۶)، «الأعمال ثمار النِّيَّاتِ» (همان: ۲۸) و سایر روایاتی که در ادامه می‌آید اشاره کرد. در ذیل روایات دسته دوم می‌توان به «النِّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَإِنَّ النِّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۱۶) و «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَنِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۸۴) اشاره کرد.

آنچه به عمل روح می‌بخشد و به آن معنا می‌دهد و ارزش آن را تعیین می‌کند، نیت است. حال اگر این نیت خیر باشد اثر نیک خواهد گذاشت و اگر شر باشد، اثر

سوء در پی خواهد داشت.

بر اساس برخی روایات، حشر مردم بر اساس نیت دانسته شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۰).

در برخی روایات ملاک جاودانگی بهشتیان در بهشت را نیت اطاعت، و ملاک خلود دوزخیان در آتش را نیت معصیت دانسته شده است (همان، ۲: ۸۵).

دسته‌ای از روایات به بیان جایگاه نیت صادق پرداخته‌اند که پاداش به آنها تعلق می‌گیرد و اگرچه توفیق عمل حاصل نشود (همان).

در برخی روایات عملی که در ظاهر خیر است ولی از نیت ناسالم برخوردار است، بی ارزش دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۰: ۹۸).

در روایتی از امام صادق علیه السلام، حضرت فرمودند: «نیت بهتر از عمل است، اصلا نیت همان عمل است»، بعد از این روایت فرمودند: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»، سپس اضافه فرمودند که منظور از شاکیله همان نیت است (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۱۶).

روایات فوق نشانگر اهمیت نیت می‌باشد و بیانگر این است که روح عمل به نیت آن است یعنی به میزانی که عمل از روی نیت خیر و خالص سر بزند و برای خدا انجام شود، در ترازوی عدل الهی وزن بیشتری خواهد داشت. از مجموع روایات فهمیده می‌شود جایگاه نیت به قدری بالاست که اگر عملی فاقد آن باشد کاملاً بی ارزش خواهد بود و در مقابل، گاهی نیت به تنهایی صادر می‌شود و به دلایلی توفیق عمل حاصل نمی‌گردد، منتهی این نیت اثر خود را خواهد داشت و ملاک ارزشمندی و تاثیر تلقی می‌گردد.

با توجه به مولفه‌هایی از جمله خلوص، خیر بودن، عینیت و چه بسا برتری نسبت به عمل، و همینطور عمل کردن بر طبق شاکیله که روایات برای نیت ذکر کرده‌اند، دانسته می‌شود ویژگی‌هایی در صدور نیت مورد توجه است که تا آن ویژگی‌ها موجود نباشند نیتی هم شکل نخواهد گرفت، و به عبارت دیگر نیت با صرف قصد کردن و اعتقاد داشتن تحقق نمی‌یابد، و صدور نیت ارتباطی ویژه با شاکیله دارد که در بخش تحلیل فلسفی تبیین خواهد گردید.

۲-۱-۲. نیت در اصطلاح قرآن

در قرآن کریم فقط یک بار ماده «ن و ی» به کار رفته است. در آیه شریفه **﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى...﴾** (انعام: ۱۹۵) معنای لغوی آن یعنی «هسته میوه» اراده شده است. آیه‌ای هم که مستقیماً از اصطلاح نیت و یا مشتقات ماده «ن و ی» بهره گرفته باشد، به چشم نمی‌خورد.

پس از بررسی اصطلاح نیت و آشنایی با مذاق شریعت نسبت به معنای آن در روایات، در می‌یابیم این معنا در قرآن کریم تحت عناوین و عبارات دیگری غیر از نیت مورد توجه قرار گرفته است. آیات متعددی از کتاب خدا، بندگان را به عمل برای او، در راه او و برای کسب رضایتش دعوت کرده و بیان می‌کند که آدمی بر سر سفره‌ای خواهد نشست که خودش چیده است. به میزانی که اعمالش از وزانت و ثقلت بیشتری برخوردار باشد، به همان نسبت خیر بیشتری برای انسان به ارمغان خواهد آورد. ارزش اعمال به جنبه غیر ظاهری آن است، و اگر به قصد خیر و برای رضایت خداوند واقع شوند، از وزان خیر و آثارش برخوردار خواهد بود و اگر به قصد شر و برای غیر خدا انجام شود نیز مبتلی به خفت میزان و عواقب سوء، در دستگاه سنجش الهی خواهد بود.

لذا آیاتی که متضمن معنای نیت و همین‌طور بیانگر اهمیت آن هستند را می‌توان به شرح ذیل یاد کرد:

آیاتی که ارزش اعمال را به میزان کسب رضایت خدا و تقرب به او قرار می‌دهند و عباراتی همچون «لله» (بقره: ۱۹۶)، «فی سبیل الله» (بقره: ۱۵۴)، «لوجه الله» (انسان: ۹)، «اتبع رضوان الله» (آل عمران: ۱۶۲)، «قربات عندالله» (توبه: ۹۹) در آنها بکار رفته است.

نقطه مقابل آیات فوق، آیاتی است که به بی‌ارزشی اعمال بدکاران دلالت دارند و در آنها، تعبیری همچون «رئاء الناس» (بقره: ۲۶۴؛ نساء: ۳۸؛ انفال: ۴۷) و «یراءون» (نساء: ۱۴۲؛ ماعون: ۶) آمده است.

برخی آیات هم ملاک مواخذه را «عقد الأیمان» (نساء: ۳۳؛ مائده: ۸۹) یا «کسب القلوب» (بقره: ۲۲۵) می‌دانند که حاکی از اهمیت عمل قلبی است و مفهوم نیت را در

بردارند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۱: ۱۰۷).

امام صادق علیه السلام، قلب سلیم در آیه شریفه ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ (شعراء: ۸۸-۸۹) را، نیت صادق و خالص معنی کرده‌اند (قمی، ۱۴۱۴، ۲: ۶۲۸).

همانگونه که از آیات و روایات به دست می‌آید اصل عمل - یعنی بخشی از عمل که تاثیر گذاری از آن اوست - همان نیت است و در صورتی که مؤلفه‌های نیت صادق موجود باشد، چنین نیتی حتی از خود عمل ارزشمندتر خواهد بود.

۲. تبیین فلسفی و وجودشناختی نیت

برای کشف عمیق این ارتباط و وابستگی عمل به نیت، از دیدگاه فلسفی آن را مورد توجه قرار می‌دهیم. برای تبیین فلسفی چیستی نیت، نخست لازم است برخی از مقدمات فلسفی مرتبط توضیح داده شود و سپس با استفاده از این مقدمات، نیت تبیین فلسفی گردد.

۲-۱. رابطه نفس و بدن و تاثیر صور ادراکی در شکل‌گیری شخصیت

اخروی انسان

نفس به‌عنوان موجودی که به‌صورت جسمانی حدوث یافته، تا زمانی که درعالم طبیعت به سر می‌برد به تبع حرکت جوهری بدن، تکامل و توسعه می‌یابد و استعدادهایش را به فعلیت می‌رساند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۲۳). ملازم با تکامل نفس، که با پذیرش صور جدید اتفاق می‌افتد، بدن جدیدی متناسب با صورت‌های جدید ساخته می‌شود که با آن نیز متحد است و هیچ‌گاه از آن جدا نمی‌شود. نفس تکامل یافته محصول اتحاد نفس و بدن عنصری مادی است. از آنجا که بین نفس و بدن ارتباطی دو طرفه برقرار است که کیفیت آن بعداً ذکر خواهد شد، نفس با تجربه کردن ادراکات و صورت‌های جدید که منجر به انجام فعل توسط آن می‌شود، رشد و تکامل می‌یابد (همو، ۱۳۶۸، ۳: ۳۳۰).

پس از ساخته شدن بدن جدید و مثالی به‌واسطه اوصاف و ملکاتی که نفس در طول زندگی مادی کسب کرد و بر اساس گفته ملاصدرا عین بدن عنصری است

(احسائی، ۱۳۸۴، ۲: ۲۹۱؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۳۷۶)، نفس انسانی پس از نشئه طبیعت با بدنی غیر از بدن مادی عنصری، به حیات خود ادامه می‌دهد و از این پس، بدن مادی عنصری نقشی در مبدئیت افعال نفس نخواهد داشت (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۴۴۵-۴۴۷). اعضا و جوارح مادی و همین‌طور اعمال و آثار مادی آنها، که به منزله ابزاری برای نفس شمرده می‌شود، با رحلت نفس از این عالم و ورود به عالم برزخ، قوه و استعداد را از دست داده و به فعلیت محض می‌رسد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۹۱). اگر ارتباط نفس و بدن بدون تأثیر و تأثر متقابل پذیرفته شود، لازمه‌اش آن است که اعمال بدنی و انجام تکالیف محوله بی‌اهمیت بوده و جز ثمراتی اندک و محدود، اثری در پی نداشته باشد. چنین سخنی با براهین متعددی مانند حکمت و عدالت و برهان حرکت و مجرد نفس و... ناسازگار است. یعنی نیت و ملکات نفسانی در شکل‌گیری پاداش و عقاب برزخی و اخروی تاثیرگذار است و در شکل‌گیری بدن اخروی نقش پررنگی دارد. این مطلب، با سخن پیامبر ﷺ تأیید می‌شود که فرمود: مردم در روز قیامت به صورت‌هایی محشور می‌شوند که بوزینه و خوک درمقابل آنها بهتر است (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰، ۵: ۳۶۸).

ملاصدرا در این باره می‌گوید: «نفوس در مقام رجوع به عالم آخرت، حامل نتایج اعمال و نیت و افکار خود می‌باشند و آنچه که در نشئه دنیای کسب کرده‌اند از کمالات علمی و عملی یا صفات و نیت، مبدأ لذات یا آلام آنان خواهد بود ... آنچه در این عالم (نشئه طبیعت) پنهان است، در آخرت به حسب نحوه وجود، ظاهر می‌شود. تکرر اعمال از خوب و بد، زشت و زیبا به تدریج، زمینه تجسم آن را در لوح روح فراهم می‌سازد و کم‌کم روح انسانی به صورت مناسب عمل و نیت، متصور و به حقیقت واقعی آن متجسم خواهد شد. لذا یکی از تأویلات کریمه ﴿وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ همان متصور شدن نفوس انسانی است به صورت اعمالی که از او در دنیا سر زده و آن اعمال با اخلاق حیوانات و وحوش ملازم بوده است» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۹۱).

خلاصه آنکه براساس مبانی حکمت متعالیه، سبب پیدایش آثار در عالم دیگر اموری همچون اخلاق و اعتقادات و نیت هستند با این توضیح که اطلاق اخلاق و اعتقادات و نیت صرف انجام یکبار یک عمل یا تصور نیستند، بلکه نیازمند تکرارند. این مطلب نیز توسط ملاصدرا مورد توجه بوده و در کلمات او به چشم می‌خورد:

«تکرار کردار در این جهان سبب پیدایش اخلاق و ملکات نفسانی تواند باشد؛ چنان که همین ملکات و اخلاق در جهان آخرت سبب پیدایش اجسام آن جهانی خواهد گشت» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۴۱: ۱۶۲).

ملاصدرا درباره ارتباط متقابل نفس و بدن می‌گوید: «نفس دارای دو جهت است، جهت تعلقی و جهتی تجردی، که به واسطه اولی منفعل می‌شود و به واسطه دومی فعل انجام می‌دهد و تکامل می‌یابد و زمانی که از بدن مفارق می‌شود و مجرد می‌گردد دارای جهت واحد می‌شود و آن جهت، جهت تجرد است فقط و به موجب آن از سنخ ملکوتیین می‌گردد، کسانی که اهل قدرت و اقتدار هستند به واسطه تجوهر ملکاتشان فعال و خلاق صور می‌گردند، ملکاتی که نتایج اعمال و افعال مکرر در طول حیات دنیوی است» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ۵: ۴۲۸).

۲-۲. نقش ادراکات و بینش‌ها در نفس

هر نفسی (انسانی) دارای بینش‌هایی است. بینش‌ها عبارت‌اند از مجموعه مفاهیم تصویری و تصدیقی و ترکیب و تحلیل میان آن‌ها که از عواملی تاثیر می‌پذیرد. از جمله عواملی که باعث ایجاد بینش در انسان می‌شود، تصورات و تصدیقات بدیهی است که اساس سایر شناخته‌های او قرار می‌گیرد. این آگاهی‌ها در منطق و فلسفه با عنوان مفاهیم بدیهی شناخته می‌شوند (وطن دوست، ۱۳۹۷: ۳). عوامل دیگری که بیرون از نفس انسانی است (عوامل بیرونی)، اعم از موجودات زمینی و آسمانی مانند افراد، محیط زیست و فرشتگان و شیاطین نیز در به وجود آمدن ادراکات و مفاهیم تصویری و تصدیقی او نقش دارند.

نفس به عنوان موجودی که یکی از آثار مهم آن ادراک است، می‌تواند امور گوناگونی را ادراک کند. ادراک نفس، مسبوق به ادراکات یا علوم دیگری است که یا برای اولین بار و به نحوی که برای نفس جدید هستند، وارد نفس می‌شود و یا به گونه‌ای است که باعث تذکر و یادآوری برای نفس بوده و از محفوظاتی است که در حافظه موجودند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۲۰۰).

مفاهیم تصویری همان یافته‌های ذهنی انسان هستند که خالی از حکم است و ذهن در مقام تعریف و بازشناسی واقعیات، معلومات تصویری را ترکیب و تحلیل کرده

و به کشف مجهولات خود دست می‌یابد. مفاهیم تصدیقی نیز آن دسته از یافته‌های ذهنی انسان می‌باشد که با حکمی همراه است. به عبارت دیگر، ذهن انسان، مفاهیم تصویری را با یکدیگر ترکیب می‌کند و میان آنها حکم برقرار می‌سازد و در پی آن گزاره‌های تصدیقی شکل می‌گیرد

تصورات بدیهی مفاهیمی است که در شناخت آنها، به ضمیمه شدن هیچ مفهوم تصویری دیگر نیازی نیست. تصدیقات بدیهی آن دسته از گزاره‌هایی است که برای شناخت آنها، به ضمیمه شدن گزاره‌های دیگر، نیازی نیست؛ یعنی برای فهم گزاره‌های بدیهی، به آوردن استدلال نیازی نیست، بلکه اگر انسان شناخت درستی از موضوع و محمول گزاره داشته باشد، بدون ضمیمه شدن مقدمات دیگر و آوردن استدلال، به مضمون گزاره شناخت پیدا کرده و حکم را تصدیق خواهد کرد. باید توجه داشت که تاثیرپذیری انسان از تصورات و تصدیقات بدیهی با رجوع به اندرون خویش ممکن خواهد بود و درک این مفاهیم برای انسان، بدون واسطه هر مفهوم دیگری حاصل می‌شود.

تصورات نظری، مفاهیمی است که از کنار هم قرار دادن مفاهیم تصویری دیگر برای انسان شناخته می‌شوند و انسان در فهم آنها نیازمند تعریف است. و مقصود از تصدیقات نظری مفاهیمی است که از تجزیه، ترکیب و تحلیل مفاهیم تصدیقی پیشین به دست می‌آید. انسان با کنار هم قرار دادن تصورات بدیهی و نظری به تطبیق، تجزیه و تحلیل آنها پرداخته و میان آنها نسبت ایجاد کرده و حکم ایجابی یا سلبی برقرار می‌سازد.

لذا بینش‌ها و ادراکات نفسانی، ترکیبی از تصورات و تصدیقات بدیهی و تصورات و تصدیقات نظری‌اند که بر اساس اطلاعات قبلی بوجود می‌آیند (وطن دوست؛ ۱۳۹۷: ۳-۶). می‌توان قسم اول ادراکات و بینش‌ها را ادراکات مستقل، و قسم دوم را ادراکات غیر مستقل نامگذاری کرد.

۲-۳. نحوه ارتباط میان افعال نفس و بدن

اعمال و رفتار ظاهری که از انسان صادر می‌شود، محصول نوع بینش و ادراکات نفسانی او بوده و در عین اینکه فعل بدنی است منتسب به نفس و حقیقت انسان است. بر این اساس، اعمال و رفتاری که از انسان سر می‌زند، یا مستقیماً و بی‌واسطه

فعل نفس است و یا غیرمستقیم و با واسطه بدن، فعل نفس شمرده می‌شود. نیت و مبادی آن از جمله مواردی است که بی‌واسطه و مستقیماً فعل نفس است بدون آنکه بدن، واسطه قرار گیرد.

مؤید این سخن، پاسخ ملاصدرا به اشکال برخی از افراد است که ترتب آثار را به اعمال نسبت می‌دهند نه به اعمال! دلیل این گروه بر مطلب یاد شده این است که افعال قلوب، شیئیت‌شان به وجود اعمال جوارحی است و از خود شیئیتی ندارند. ملاصدرا در پاسخ این ادعا چنین می‌نویسد:

«مراد از نیت، اعتقادات است؛ زیرا آنچه موجب ترتب ثواب و عقاب می‌شود اعتقادات است. لذا با عارض شدن نیت فعل حسن، حسنه نوشته می‌شود (و همینطور با عارض شدن نیت فعل معصیت، معصیت نوشته می‌شود). پاسخ دیگری که به معترضین می‌دهیم این است که با پذیرش حرف شما، در صورتی که نیت معصیت عارض شود، تا زمانی که با اعضا و جوارح معصیتی انجام نشده باشد، نباید معصیتی نوشته شود و حال آن که باید برای هر نیتی آثاری باشد» (احسائی، ۱۳۸۴، ۳: ۱۶۶).

آنچه از سخنان ملاصدرا استفاده می‌شود آن است که مبدا آثار، اعمال قلبی و نیت‌هایی است که در نفس انسان تحقق می‌یابند، چه به مرحله صدور اعمال جوارحی برسد یا نرسد. با این حال جایگاه اعمال جوارحی چیست و نفس چه ارتباطی با آنها دارد؟ آیا می‌شود برای صدور نیت، نفس را بی‌ارتباط با اعمال جوارحی تصور کرد و در نتیجه بی‌نیاز از بدن دانست؟ به عبارت دیگر آیا نفس به صرف داشتن معلومات و ادراکاتی که می‌توانند مبدء اثر باشند، خواهد توانست فعل انجام دهد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها نخست باید به بررسی جایگاه اعمال جوارحی در ارتباط با نفس پردازیم.

۴-۲. ارتباط اعمال جوارحی با نفس

اعمال جوارحی انسان که فعل غیر مباشر نفس محسوب می‌شوند و به وسیله اعضا و جوارح ظاهری تحقق می‌یابند، به منزله وجه و صورت برای کنه (نیت) و یا به منزله ظاهر برای باطن (نیت) می‌باشند. آنچه ظاهر می‌شود دلالت می‌کند بر چیزی که در نفس مبطن است (سجادی، ۱۴۲۶: ۷۶).

اعمال جوارحی انسان مطابق با نیت‌ها و شاکله وجودی اوست. قرآن کریم می‌فرماید ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ﴾ (اسراء: ۸۴). شاکله همان ساختار وجودی انسان است که نفس بر طبق آن شکل گرفته است.

لازمه صدور نیت از نفس، وجود شاکله و ساختاری است که به انجام فعل ظاهری متناسب با آن شاکله بیانجامد. عملی که از انسان صادر می‌شود، نیازمند علت است. میان علت و معلول سنخیت وجود دارد و علت، کمالات معلول را به نحو اعلی و اشرف دارا می‌باشد. لذا نفس که علت با واسطه عمل است کمالات معلول (عمل) را در مرتبه تجرد خود به نحو اعلی و به صورت مخزون در شاکله دارا می‌باشد. با چشم پوشی از تفاوت رتبی نیت و عمل، که یکی در رتبه تجرد و به منزله کنه و دیگری در رتبه مادی و به منزله وجه و ظاهر است، عینیت فعل نفس (نیت) و اعمال جوارحی، روشن می‌شود. البته باید توجه داشت که این عینیت از نوع اتحاد می‌باشد و نه از نوع وحدت. ملاصدرا در آثارش به همین عینیت نیت و عمل به مثابه وجه و کنه اشاره می‌کند و عمل را ناشی از شاکله می‌داند:

«عملی که صادر می‌شود بر اساس همان شاکله نیت است و این نیت، اصل عمل و حقیقت آن است و عمل، فرع نیت و ثمره آن است، بلکه نیت عین عمل بعینه می‌باشد و عمل عین نیت است بعینه، به خاطر اینکه جایگاه عمل نسبت به نیت مثل جایگاه وجه نسبت به کنه است و به خاطر همین گفته می‌شود که ظاهر، عنوان باطن است» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ۵: ۴۲۸؛ احسائی، ۱۳۸۴، ۳: ۱۶۶).

با این حساب هر عملی که در خارج ظاهر می‌گردد، دارای نیت خواهد بود و محال است که بدون نیت تحقق یابد، منتهی ارزش گذاری آن عمل بستگی به نیت آن خواهد داشت.

۲-۵. خواطر محموده و مذمومه و نیازمندی آن‌ها به سبب جداگانه

ادراکات و معلومات انسان که با وسایطی (با مراحل اعم از رغبت عزم و اراده و...) مبدأ افعال به حساب می‌آیند، خود دارای علل مختلف هستند که به واسطه علل شان به دو دسته محموده و مذمومه تقسیم می‌شوند. خواطر محموده، خواطری است که نفس انسان به واسطه آن‌ها در نشئه آخرت منتفع می‌گردد و خواطر مذموم خواطری است که برای نفس، مضر است. خاطر محمود را الهام و خاطر مذموم را وسواس

می‌نامند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۲۰۰).

از آنجا که خواطر، امور حادث‌اند، برای ایجاد و تحقق نیازمند علت‌اند. اکنون این پرسش رخ می‌نماید که آیا فقط یک سبب و علت واحد، مستقلاً باعث ایجاد خواطر محموده و مذمومه با هم می‌شود یا نیازمند علل متعدد است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت، اختلاف معلومات بر اختلاف علل دلالت دارد. ملاصدرا با استفاده از یک مثال، به اختلاف این اسباب اشاره می‌کند؛ تصور کنید در اتاقی شعله‌ای افروختند، این شعله آتش هم فضای اتاق را روشن می‌کند و هم سقف آن را سیاه می‌کند. شما می‌دانید آنچه باعث روشنایی شده با آنچه باعث سیاهی شده متفاوت است، نمی‌شود یک سبب واحد هم باعث نورانی شدن اتاق شود و هم سبب سیاهی سقف گردد، پس بیننده حکم می‌کند که سبب نورانی شدن، نور آتش و سبب سیاهی سقف، ظلمت آتش و دود چراغ است. بعد از اینکه معلوم شد اسباب، مختلف و متعدد هستند، می‌گویند برای انوار قلب و ظلمات قلب هم دو سبب مختلف وجود دارد؛ آنچه سبب می‌شود خواطر به‌سوی خیر دعوت کنند و مبدأ افعال خیر گردند، نامش مَلک است، و آنچه سبب می‌شود خواطر، به سوی شر دعوت کنند و مبدأ افعال شر گردند شیطان نام دارد (همان).

حال آیا این ملک یا شیطان، اموراتی خارج از نفس بوده و از بیرون به نفس القا می‌شوند و در نتیجه نفس نسبت به آن‌ها متأثر می‌گردد، یا اموری‌اند که از خود نفس نشأت می‌گیرند؟

بر اساس آموزه‌های دینی و مبانی فلسفی، اسباب خواطر، اموری بیرونی است؛ زیرا خود خواطر، اموری حادث و نیازمند علت‌اند و طبق قاعده «فاقد شی معطی شی نمی‌شود»، نفس که فاقد این خواطر است نمی‌تواند آن‌ها را به خود عطا کند، پس باید امری بیرون از خودش این خواطر را به آن عطا کند.

منتهی این خطورات عطا شده از غیر، به تنهایی نمی‌توانند منشأ آثار بوده و مبدأ فعل نفس گردند؛ زیرا این خاطره‌خاطر یافته به نفس تنها حیث فاعلی مبدئیت نفس را شامل می‌شود و به حصر عقلی، برای اینکه اثر گذاری علت، کامل گردد باید حیث قابلی آن نیز تامین گردد. لذا در صورتی که نفس از حیث قابلی نیز تام گردد، آنگاه

خاطره‌ی راه یافته به عرصه نفس می‌تواند به مبدئی برای عمل نفسانی و به تبع، عمل جسمانی و ظاهری تبدیل گردد.

عملکرد نفس بر اساس قابلیت است که در خود پدید آورده است، و شاید بتوان شاکله را به همین قابلیت تفسیر کرد. با این وجود ملاصدرا نیز تصریح دارد که تطورات فاعل، بر اساس شاکله نفس شکل می‌گیرد.

او در شرح عرشیه و تفسیر القرآن بر این باور است که جوهر نفس به واسطه همین ملکات تشکیل می‌شود و همین ملکات به جوهر نفس قوام می‌دهد. ایشان بعد از بیان اینکه ملکات به دو دسته کریمه و خسیسه تقسیم می‌شود، چنین می‌نویسد:

«هر کسی بر اساس شاکله وجودی‌اش عمل می‌کند و تجلی، تطور، تمثیل و تصور شاکله وجودی بر اساس آن ادراکات و بینش‌هایی است که در ضمیر انسان جای گرفته و نهادینه شده است، همانگونه که تطور فاعل، بر اساس اطوار ذات و صفات آن فاعل شکل می‌گیرد و نیز تمثیل عامل، بر اساس صور ملکات و نیات آن عامل ظهور و بروز خواهد یافت» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۴۲۸؛ احسائی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۶۶).

او در تفسیر کلام معصوم که می‌فرماید هر کس عمل نکند معرفتی هم نخواهد داشت، می‌گوید: همانا عمل و عبادت و ریاضت از اموری است که باعث صفای نفس و رقت و تطهیر قلب می‌گردد، که نتیجه اش استعداد و قابلیت برای فیضان صورت‌های علمی و ادراکات جدید است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۰۴).

ادراکات و بینش‌هایی که در ضمیر و نفس انسان نهادینه شده‌اند، بخشی مانند امور فطری در بین نوع انسان‌ها مشترک است و از این جهت همه انسان‌ها حشر واحدی خواهند داشت. اما به لحاظ بینش‌هایی که حاصل تصور نفس بوده و عقل منفعل انسانی در راستای علوم و ملکاتش به آن جوهریت بخشیده و به فعلیت می‌رساند، انسان‌ها دارای انواع مختلفی خواهند بود که حشرشان بر همان اساس صورت خواهد گرفت (دغیم، بی‌تا، ص ۳۶۳).

در پی تحریک خواطر و طی مراحل لازم توسط نفس، و در نهایت فعلیت یافتن فعل نفس که ممکن است به فعل ظاهری خارجی نیز منجر شود، اثری از این فعل به خود نفس برمی‌گردد که جنبه قابلی نفس را تحت تاثیر قرار می‌دهد. یعنی اگر عمل،

خیر باشد قابلیت آن را در جهت خیر، و اگر شر باشد در جهت شر افزایش می‌دهد. با فعلیت یافتن علوم و ملکات نفسانی در مرتبه تجرد می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که ملک و شیطان، اموری خارج از نفس هستند و به تنهایی سبب خطور خاطره نمی‌شوند؛ زیرا فاعلیت به تنهایی کافی نیست، بلکه در کنار این فاعلیت باید قابلیت از جانب نفس نیز ایجاد گردد، که نحوه شکل‌گیری این قابلیت - و به تعبیر دیگر: شاکله - ذکر خواهد شد.

۶-۲. نحوه شکل‌گیری شاکله نفسانی

از آنجاکه نیت‌ها برخاسته از شاکله نفسانی می‌باشند، می‌توانند معیاری برای جاودانگی آثار نیت‌ها و خلود به حساب آیند. به بیان دیگر صرف تصورات ذهنی مبدأ آثار نخواهد بود، بلکه قابلیت و شاکله نفسانی که ارتباط مستقیم با اعمال جوارحی دارد، به عنوان مبدأ آثار شناخته می‌شود. با توجه به توضیحات پیشین این نتیجه به دست می‌آید که میان علوم و ادراکات نفسانی با افعال نفس ارتباط برقرار بوده و این علوم و ادراکات براساس شاکله نفسانی و با طی مراحل لازم، مبدأ افعال نفس می‌باشند.

در توضیح چگونگی شکل‌گیری شاکله با رویکردی فلسفی، می‌توان چنین توضیح داد: از آنجا که نفس دارای دو جهت تعلقی و تجردی است، مبدئیت نفس برای صدور افعال، مربوط به جهت فعال بودن و مجرد بودن نفس است. نفس در مرتبه تجرد خود، فاعل است، ولی در مرتبه تعلق به بدن، فاعل نیست بلکه منفعل، قابل و اثر پذیر است؛ یعنی درعین‌اینکه فاعل است و اثرگذار، با تفاوت مرتبه، منفعل و تأثیرپذیر هم است. نفس در مرتبه تعلقش به بدن، تأثیرپذیر است و هر زمان فعلی از نفس صادر شود، این فعل علاوه بر اینکه فاعلیت نفس را به اثبات می‌رساند، از همین عملی که از آن صادر شده‌است نیز اثر می‌پذیرد. اگر این عمل برای نفس، خیر باشد، آن (نفس) را توسعه داده و بر درجه‌اش می‌افزاید و این ارتفاع درجه باعث می‌شود زمینه و قابلیت صدور افعال خیر دیگری نیز در آن به وجود آید. و اگر این عمل نفس برایش مضر باشد، زمینه صدور افعال خیر را از نفس سلب خواهد کرد و قابلیت صدور امور مضر برای نفس را فراهم خواهد آورد.

با توجه به ساختار نفسانی یا همان ویژگی‌هایی که نفس را قادر می‌سازد تا بر اساس آن‌ها فاعلیت خود را محقق سازد و نسبت به افعال صادر شده نیز تاثیر پذیر باشند، شاکله شکل می‌گیرد. حال این شاکله می‌تواند بر خیر بوده باشد و زمینه خیر را فراهم کند و یا بالعکس. به بیان دیگر هر علم و معرفتی نتیجه‌اش ایجاد حالی در نفس است و هر حالی نتیجه‌اش عملی خواهد بود و بالعکس؛ یعنی هر عملی موجب ایجاد اثری یا حالی در نفس می‌شود و هر حال و صفائی در نفس به معرفت دیگری در نفس منجر می‌شود.

شاید گفته شود این‌گونه تصویر کردن رابطه علم و عمل در نفس، منجر به دور و محال است. یعنی علمی که با واسطه موجب عمل می‌شود، خودش متوقف بر عمل است اما چنین دوری در اینجا لازم نمی‌آید؛ زیرا علمی که ابتدا موجب عمل می‌شود با علمی که در مرحله بعد و به واسطه عمل ایجاد می‌شود، متفاوت است و همین‌طور هرگاه علم به عمل منجر شود آن عمل، علم جدیدی را که خودش می‌تواند منشأ عمل و اثر شود، ایجاد می‌کند. لذا تقدم معرفت بر حال و بر عمل مثل تقدم فاعل بر فعلش است و این نوع تقدم، تقدم بالذات و بالطبع است، و تقدم عمل بر حال و بر معرفت، تقدم زمانی است نه بالذات، مثل تقدم قابل و استعداد آن بر مقبولی که بعد از آن حادث می‌شود. پس روشن شد که هر کدام از علم و عمل نسبت به حصول یکدیگر، به وجهی مدخلیت دارند، لکن علم مثل روح است و اصل می‌باشد، و عمل مانند بدن و فرع و آلت است. لذا قوام عمل به علم است همچنان که قوام بدن به روح است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ۲: ۲۰۴).

لذا شکل‌گیری شاکله به صرف وجود علوم و ادراکاتی در نفس نیست، بلکه به توفیق نفس در انجام عمل خالصانه نیز بستگی دارد. و به میزانی که عمل صادر شده از نفس، بهره بیشتری از خیر داشته باشد، اثر بیشتری نیز در جهت دهی شاکله عاید نفس خواهد شد و بر همین اساس مراتب شاکله تعیین خواهد گشت. در این راستا نیز به کلامی از ملاصدرا اشاره می‌شود: «علم و عمل مثل روح و جسد هستند که با هم همراهند و باعث تکامل یکدیگر می‌شوند و هر مرتبه‌ای از علم اقتضای عملی به حسب همان علم دارد، و هر عملی زمینه حال و علمی در نفس را پدید می‌آورد. همه این‌ها در صورتی است که نیت صحیح و عمل خالص بوده باشد» (صدرالدین شیرازی،

۲-۷. ارتباط شاکله با نیت

صرف ادراکات و علوم نفسانی، نیت نیستند، زیرا این ادراکات و علوم فقط تصویری ذهنی می‌باشند؛ حال درونی و یا بیرونی، و لذا به‌تنهایی منشأ هیچ اثری در نفس نخواهند بود. این تصورات، ادراکات و علوم زمانی منشأ اثر خواهند بود که منجر به انجام فعلی در نفس شوند. انجام فعل در نفس یا همان تحقق نیت، برآیند شاکله است نه خود شاکله به تنهایی. با توضیحی که در بخش قبل ارائه شد می‌توانیم این‌گونه نتیجه بگیریم که شاکله اقتضای ایجاد اثر را دارد، ولی صرف اقتضاء برای انجام فعل (نیت) کافی نیست بلکه نیاز به فاعلی هست که بر اساس شاکله، مراحل انجام فعل را تحقق بخشد. از آنجا که هر عملی با نیتی همراه است، متناسب با آن، اثری در نفس ایجاد می‌شود که این اثر موجب تغییر شاکله قبلی و تحقق مرتبه جدید شاکله بر اساس اثر فعل نفس می‌گردد. و لذا هر نیتی دارای ارزشی جداگانه است که برخاسته از شاکله است.

۲-۸. نیازمندی شکل‌گیری شاکله به تکرار و ترادف احوال

صرف ارتباط بین علوم و ادراکات نفس با حالات آن و همینطور با عمل، برای شکل‌گیری شاکله کافی نیست بلکه تشکیل شاکله نیازمند تکرار و ترادف اعمال است. همین مطلب در عبارات صدر المتألهین به چشم می‌خورد؛ او می‌گوید: معرفت و نیت، روح عمل است اگرچه عمل وسیله‌ای برای آن (معرفت و نیت) محسوب می‌شود؛ همچنان که بدن برای روح و یا بذر برای میوه و ثمره، نقش وسیله و ابزار را دارد. برخی عرفا همین مطلب را به نظم آورده‌اند:

الروح للجسم و النیات للعمل	یحیی بها کحیة الارض بالمطر
فتصیر الزهر للأشجار بارزة	و کل ما تخرج الأشجار من ثمر
کذلک تخرج من أعمالنا صور	لها روائح من نتن و من عطر

سپس از آنجا که کمال معرفت و ازدیاد نور قلب جز با تکرار اعمال و ترادف احوال حاصل نمی‌شود، هر کسی که مداومت بر عمل صالح نداشته باشد، معرفتی برای او

وجود نخواهد داشت و این همان کلام معصوم است که فرمود، پس همانا عمل و عبادت و ریاضت و تمرین از اموری است که باعث صفای نفس و رقت و تطهیر قلب می شود و به این وسیله مستعد فیضان صور علمیه بر آن می گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ۲: ۲۰۴).

در جای دیگر نیز تکرار کردار را سبب پیدایش اخلاق و ملکات می داند و می گوید: «تکرار کردار در این جهان سبب پیدایش اخلاق و ملکات نفسانی تواند شد، چنانکه همین ملکات و اخلاق در جهان آخرت سبب پیدایش اجسام آن جهانی خواهد گشت. و اجسام آن جهانی ممکن است نتیجه کردار خوب باشد و به صورت حور و قصور کوثر و شهد و شکر درآید و تواند بود که نتیجه کردار زشت باشد و به صورت مار و کژدم و دد و دام درآید و جان را هر دم گزند رساند» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۴۱: ۱۶۲).

«آنچه در این عالم پنهان است، در آخرت به حسب نحوه وجود، عیان و ظاهر می شود. و نیز تقریر کردیم که تکرار اعمال از خوب و بد، زشت و زیبا به تدریج، زمینه تجسم آن را در لوح روح فراهم می سازد و کم کم روح انسانی به صورت مناسب عمل و نیت متصور و به حقیقت واقعی آن متجسم خواهد شد، لذا یکی از تأویلات کریمه ﴿إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ همان متصور شدن نفوس انسانی است به صورت اعمالی که از او در دنیا سر زده و آن اعمال با اخلاق حیوانات و وحوش ملازم بوده است» (همو، ۱۳۸۱: ۱۹۱).

۲-۹. مراحل صدور رفتار از انسان

صورت‌ها، ادراکات و علوم جدید نفس و به‌طور کلی آثار جدید در نفس، از مدخل‌هایی به آن راه می‌یابند. این مداخل یا اموری ظاهری همچون، حواس ظاهری انسان است و یا اموری باطنی از جمله خیال، شهوت، اخلاق. از دیگر امور باطنی نیز می‌توانیم به ملک و شیطان اشاره کنیم.

به فعلیت رسیدن عمل، برای نفس و به تبع برای بدن مادی انسان، نیازمند مبادی و مراحل از قرار زیر است:

۲-۹-۱. مرحله تصور فعل و غایت آن (خاطر)

بینش‌های انسان، همان مفاهیم تصویری و تصدیقی‌اند که از راه عوامل درونی و

بیرونی پدید می‌آیند. روشن است که تا مفاهیم تصویری در انسان شکل نگیرد، نوبت به تصدیق و حکم براساس تصورات نمی‌رسد. انسان، نخست فعل و سپس غایت و هدفی را تصور می‌کند که بر انجام فعل مترتب خواهد شد و به دنبال آن مرحله تصدیق در نفس انسان شکل می‌گیرد. لذا خاطر یعنی آنچه به قلب وارد می‌شود، که عبارت است از صورت‌های علمی. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، خواطر نیازمند سبب‌اند و به‌خودی‌خود به وجود نمی‌آیند، آنچه باعث خطور خاطره جدیدی در نفس می‌شود، یا امری است که جدیداً به نفس وارد شده و یا امری است که قبلاً موجود بوده و اکنون بر اساس منویات موجود در نفس، دوباره خطور کرده است.

۲-۹-۲. مرحله تصدیق به سودمندی و زیانمندی فعل (هیجان، رغبت، شوق،

میل و طبع)

از دیگر مبادی فعل در نفس که برای انجام فعل لازم است، شوق یا هیجان رغبت است. در معرفی آن می‌توان گفت: هیجان یا حرکتی است که بعد از تولد خاطره در نفس، به‌واسطه تمایل و شهوت طبع، و بر اثر تصدیق فایده نسبت به آن بوجود می‌آید. به بیان دیگر پس از اینکه تصور فعل و غایت فعل در ذهن انسان شکل گرفت، نوبت به مرحله تصدیق می‌رسد و انسان بر اساس بینش‌ها و باورهای خود، به سودمندی و زیانمندی فعل حکم می‌کند. روشن است که تحقق مرحله «تصدیق به سودمندی و زیانمندی فعل» براساس شناخت‌هایی در انسان شکل می‌گیرد که از راه عوامل درونی و بیرونی به دست آورده است (همان). از همین‌رو درستی یا نادرستی بینش‌ها و باورها و حکم به سودمندی و زیانمندی آنها، در گرو صالح و فاسد بودن محیط و شرایطی خواهد بود که انسان در آن قرار داشته است.

۲-۹-۳. مرحله حکم کردن قلب به سزاواری انجام (اعتقاد)

مرحله بعد، حکم قلب است به اینکه این خاطر سزاوار انجام شدن است. این قسم به‌تنهایی باعث انبعاث همت و نیت نمی‌گردد؛ زیرا صرف میل طبع برای انبعاث کافی نیست و علاوه بر ایجاد این میل، باید هیچ مانع و صارفی از جهت عقل برای آن موجود باشد. آنچه در نهایت مانعیت مانع را دفع می‌کند و باعث می‌شود عقل، فعل آن را شایسته بداند یا به آن ترتیب‌اثر دهد، حکمی از جهت عقل است. این حکم عقل

به سزاواری انجام که به تبع خاطر و میل ایجاد می گردد، اعتقاد نام دارد.

۴-۹-۲. مرحله تحقق نیت و اراده ی قطعی (همت- قصد)

آنچه به عنوان آخرین مبدأ برای انجام فعل شناخته می شود، همت است که در صورت التفات قلب، خاطر اول (خاطر) تاکید می شود و به اراده جزمی و قطعی منجر می گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۱۵).

۳. بیان دیدگاه مختار درباره چپستی نیت با رویکرد فلسفی

آنچه باعث تحریک اراده ها می شود، خواطر است، و خواطر همان افکار و اذکاری هستند که از نوع ادراک و تصور می باشند و علوم مستقل و غیر مستقل نفس را تشکیل می دهند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۲۲۰). یعنی علوم و ادراکات نفسانی، مبدأ افعال هستند ولی نه به تنهایی بلکه با وساطت بعضی محرک های دیگر که توسط همین خواطر تحریک شده اند. یعنی علت و مبدأ اولیه تحرک برای سایر محرکات نیز همین خواطر هستند. خواطر باعث تحریک رغبت می شوند و در این صورت نفس نسبت به معلوم خود شوق پیدا می کند. این شوق و رغبت ایجاد شده در نفس، باعث حکم کردن نفس به سزاوار بودن انجام و حکم به تحریک عصب (نه تحریک عصب در خارج) می شود. اما طی این مراحل برای تشکیل نیت کافی نیست، هنوز نمی توان گفت نیت در نفس شکل گرفته است با اینکه نفس نسبت به خواطر خود شائق است و دارای عزم و تصدیق بر شایستگی آن است (فارغ از اینکه این عمل در شرع هم شایسته است یا نه) (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۲۰۰)، و لکن، تأثیری ایجاد نخواهد شد. تا به این مرحله نمی توان اثرگذاری و فاعل بودن نفس را نتیجه گرفت. هنوز صوارف و موانعی وجود دارد که نمی گذارند همت و نیت برانگیخته شود. آنچه از تحلیل این مراحل و مراتب بدست می آید این است که تا به این مرحله، فقط اعتقاد شکل گرفته است. اعتقاد حالتی است که در پی خواطر نفسانی و میل نفس به آن ها، در نفس پدید می آید. پس از شکل گیری اعتقاد، نفس، تصمیم و عزم بر توجه و التفات به فعل می نماید، که در این مرحله همت، قصد یا همان نیت شکل می گیرد.

همت مبدأ ضعیفی برای انجام فعل است، اما زمانی که قلب (یا همان نفس که دارای ملکات و شاکله ویژه خود هست) به خاطر توجه می کند، این همت مؤکد می گردد و همین همت به اراده قطعی تبدیل می شود و چه بسا مرتکب عمل هم بشود،

و یا نقطه مقابل آن اگر عارضی مانع شود و التفات به خواطر اتفاق نیفتد در این صورت فعلی از نفس سر نخواهد زد و به تبع آن عملی در خارج محقق نخواهد گشت (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۱۵). اینکه گفته شد «چه بسا مرتکب عمل هم بشود»، منظور عمل ظاهری و جوارحی است و گرنه فعلِ نفس، امری غیر محسوس است و قابل حس و دیدن نیست و در نتیجه امکان دارد نفس، فعلی انجام دهد ولی به صورت محسوس، فعل و عملی ظاهر نشود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ۱: ۱۷۶؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۱۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیش‌گفته این نتیجه به دست آمد که بر اساس دیدگاه واژه‌شناسان، نیت از ریشه «ن و ی» به معنای بخشی از عمل است که ظاهر نیست، ولی مهم‌ترین بخش را شامل می‌شود؛ همچنان که مراد از گیاه، دانه و مغز آن است و اگر گیاهی دانه و مغز نداشته باشد، رشد نمی‌کند و اثر اصلی خود را از دست خواهد داد. به عبارت دیگر مانند روح در جسد عمل است و روح، بهتر از جسد است و در جسد بدون روح، خیری نیست. این معنا در آموزه‌های دینی اعم از آیات و روایات نیز مورد تایید قرار گرفته، و ارزش عمل به نیت آن ارتباط داده شده است؛ تا جایی که ارزش انسان به نیت، و نیت برتر از عمل دانسته شده است. نتیجه به دست آمده از تحلیل لغوی و آموزه‌های دینی با مبانی فلسفی هماهنگ است و می‌توان گفت آنچه مبدأ آثار است، اعمال قلبی و نیت‌هایی است که در نفس تحقق می‌یابند، فارغ از اینکه عمل جوارحی از انسان صادر بشود یا نشود. از آنجاکه نیت‌ها برخاسته از شاکله نفسانی می‌باشند، می‌توانند معیاری برای جاودانگی آثار نیت‌ها و خلود به حساب آیند. به بیان دیگر صرف تصورات ذهنی مبدأ آثار نخواهند بود بلکه قابلیت و شاکله نفسانی که ارتباط مستقیم با اعمال جوارحی دارند به عنوان مبدأ آثار شناخته می‌شوند. نتیجه آنکه، آنچه از تحلیل مراحل صدور رفتار از انسان بدست می‌آید این است که نیت، حالتی نفسانی است که پس از شکل‌گیری اعتقاد، تصمیم و عزم بر فعل، حادث می‌گردد؛ به دیگر سخن، نیت برآیند مجموعه بینش‌ها و باورهای انسان است که پس از شکل‌گیری شاکله و شخصیت، و پیش از صدور افعال جوارحی، در نفس انسان پدید می‌آید.

فهرست منابع

١. ابن فارس، أحمد بن فارس، ١٤٠٤ق، **معجم مقاييس اللغة**، تصحيح: عبد السلام محمد هارون، قم، مكتب الاعلام الاسلامي.
٢. ابن منظور، محمد بن مكرم، ١٤١٤ق، **لسان العرب**، تصحيح: جمال الدين مير دامادى، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع- دار صادر.
٣. احسائي، احمد بن زين الدين، ١٣٨٤ش، **شرح العرشية**، تحقيق: صالح احمد دباب، بيروت، مؤسسة البلاغ.
٤. تميمى آمدى، عبد الواحد بن محمد، ١٤١٠ق، **غرر الحكم و درر الكلم**، تصحيح: سيد مهدي رجائي، قم، دار الكتاب الإسلامى.
٥. حسيني زبيدي، محمد مرتضى، ١٤١٤ق، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تصحيح: على هلالى و على سبرى، على، بيروت، دارالفكر.
٦. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، ١٤١٢ق، **مفردات ألفاظ القرآن**، تصحيح: صفوان عدنان داوودى، بيروت- دمشق، دار القلم- الدار الشامية.
٧. سجادى، سيد جعفر، ١٤٢٦ق، **قاموس المصطلحات الفلسفية عند صدرالمتألهين**، بيروت، مهد المعارف الحكمية.
٨. شريف الرضى، محمد بن حسين، ١٤١٤ق، **نهج البلاغة**، تصحيح: صبحى صالح، قم، هجرت.
٩. حر عاملي، محمد بن حسن، ١٤٠٩ق، **وسائل الشيعة**، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
١٠. صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم، **الحكمة المتعالية فى الأسفار العقلية الأربعة**، قم، مكتبة المصطفوى، ١٣٦٨ش.
١١. صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم، ١٣٧٥ق، **الشواهد الربوبية فى المناهج السلوكية**، تصحيح: جلال الدين آشتياني، بيروت، مؤسسة التاريخ العربى.
١٢. صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم، ١٣٥٤ش، **المبدأ و المعاد**، تهران، انجمن حكمت و فلسفه ايران.
١٣. صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم، ١٣٧٨ش، **المظاهر الإلهية فى أسرار العلوم الكمالية**، تحقيق: محمد خامنه‌اى، تهران، بنياد حكمت اسلامى صدر.
١٤. صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم، ١٣٨٣ش، **ترجمه و تفسير الشواهد الربوبية**، ترجمه: جواد صلح، تهران، صدا و سيماى جمهورى اسلامى ايران، انتشارات سروش.
١٥. صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم، ١٣٦٦ش، **تفسير القرآن الكريم**، تصحيح: محمد خواجهوى، قم، بيدار.
١٦. صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم، ١٣٦٦ش، **شرح اصول الكافي**، تصحيح: محمد

- خواجوی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
۱۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۱ش، شرح بر زاد المسافر صدر الدین محمد بن ابراهیم شیرازی، شارح: جلال الدین آشتیانی، قم، بوستان کتاب.
۱۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۱ش، عرشیه، تصحیح: غلامحسین آهنی، تهران.
۱۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۷۵ش، مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین، تصحیح: ناجی اصفهانی، تهران، حکمت.
۲۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، مفاتیح الغیب، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ق، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامیه.
۲۲. طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.
۲۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن أحمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، قم، نشر هجرت.
۲۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۸ق، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم، مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامی.
۲۶. قمی، شیخ عباس، ۱۴۱۴ق، سفینه البحار، قم، اسوه.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۳ق، الکافی، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمه الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۹. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. وطن دوست، محمدعلی، ۱۳۹۷ش، تحلیل فلسفی ارتباط میان بینش، گرایش و منش و راهکارهای تربیتی دستیابی به رفتار سالم، پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین، <https://civilica.com/doc/815429>
۳۱. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ق، منهج البراعة فی شرح نهج البلاغة.

ترجمه: حسن حسن‌زاده آملی و محمد باقر کمره‌ای، تهران، مکتبه الاسلامیه.